روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

دوشنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۱ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۵۹۰

تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین

صفحه آخر

دامن کشان همی شد در شرب زر کشیده
صد ماه روز رشکش جیب قصب دریده
حافظ

■ حضرت امیر المؤمنین علی ع:
دلبستگی به دنیا، عقل را فاسد می کند.

■ اذان ظهر: ۱۳:۰۱ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۱۶
■ اذان مغرب: ۱۹:۳۴ ■ نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۸
■ اذان صبح فردا: ۵:۲۰ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۴۵

■ صاحب امتیاز: **مؤسسه همشهری**
■ مدیرمسئول: **عبدا... گنجی**
■ سردبیر: **دانیال معمار**

■ پذیرش آگهی: ■ تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ چاپ: همشهری ■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

گرینویچ

یونیفرم ۲/۸ میلیون دلاری

مجموعه‌ای از وسایل شخصی آلدرین فضانورد آمریکایی که در نخستین پرواز فضایی سرنشین‌دار به سطح ماه حضور داشت و به همراه نیل آرمسترانگ در ۲۰ جولای ۱۹۶۹ روی سطح ماه فرود آمد، توسط ساتبیز در نیویورک به حراج گذاشته شد. ژاکت «باز آلدرین» که در سفر فضایی خود به تن داشت به قیمت نزدیک به ۲/۸میلیون دلار در حراج ساتبیز فروخته شد و رکورد شکست. حراج ژاکت روپوش آلدرین با قیمت ابتدایی ۵۰۰ هزار دلار در حراج ساتبی نیویورک آغاز شد. این ژاکت که یکی از ۷۰ قطعه از کلکسیون این ماه نورد ۹۲ ساله محسوب می‌شود، ۵۳ سال پیش و در مسیر رفت و برگشت به ماه پوشیده شده بود. ساتبیز پیش از حراج تخمین زد که ژاکت آلدرین به قیمت یک تا ۲ میلیون دلار فروخته خواهد شد. این ژاکت برچسب نام آلدرین را در سمت چپ بالای نشان ماموریت آپولو ۱۱ و پرچم آمریکا را روی شانه چپ دارد.

بشقاب پرنده در آسمان مکزیک

عکس‌های باکیفیت خوان مانوئل سانچز از پرواز یک بشقاب‌پرنده بر فراز گاراژش، پس از انتشار در فیسبوک و پخش در تلویزیون ملی، سر و صدای زیادی در مکزیک به پا کرد. تصویری با وضوح بالا که یک بشقاب‌پرنده را در حال بیرون آمدن از دل یک ابر نشان می‌دهد. عکس‌های منتشرشده، یک جسم گرد را به تصویر می‌کشند که بسیار شبیه بشقاب‌پرنده‌هایی است که در فیلم‌ها دیده‌ایم! درحالی‌که وایرال شدن این عکس‌های جنجالی، سر و صدای زیادی به پا کرده است، شک و تردید بسیاری در مورد صحت تصاویر وجود دارد. خوان که یک مکانیک است، گفته که این جسم بزرگ را درحالی‌که سعی می‌کرد با موبایل خود از توفان آن روز عکس بگیرد، مشاهده کرد و به سرعت از آن عکس گرفت. ادعاهای او توسط همسرش و یکی از همکارانش تأیید شده است؛ هردوی آنها اظهار کرده‌اند که این بشقاب‌پرنده مرموز را قبل از ناپدیدشدن، در آسمان دیده‌اند.

بوک مارک

پرونده هری کبر

ژوئل دیکر

نویسنده‌هایی که شب‌ها کتاب می‌خونند. قهوه می‌خورند و هی سیگار می‌کشند، فقط یک افسانه است. اگر می‌خوای یک نویسنده خوب باشی، باید خیلی منظم رفتار کنی، درست مثل تمرین بوکس می‌مونه. باید ریتم نوشتنت رو حفظ کنی. فقط این طوری می‌تونی از گزند بزرگ‌ترین دشمن نویسنده‌ها در امان باشی.

فراخوان

بی تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می بینید. ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح تان که آماده شد یک تماس با شماره ۲۳۰۲۳۶۳۶ بگیرید تا برای رساندنش به ما، راهنمایی تان کنیم.

گوگل علیه فلسطینی‌ها

جواد نصرتی

شعارهای شرکت‌های بزرگ درباره برابری و مبارزه با تبعیض و احقاق حقوق بشر، این روزها گوش دنیا را کر کرده و لوگوهای خوش آب و رنگ و کمپین‌های موفق تبلیغاتی، چهره نهادهایی را از آنها به دنیا ارائه می‌دهد که واقعا نگران حقوق بشر و به‌خصوص اقلیت‌های تحت ستم هستند. اما همه این نگرانی‌ها و دغدغه‌ها، ظاهر کار است و در باطن، این پول و ارتباط با قدرت است که حرف اول و آخر را می‌زند. گوگل، نمونه بارز این رفتار است و حالا کار به جایی کشیده شده که حتی کارمندانش هم علیه این غول حوزه آی‌تی راهپیمایی می‌کنند. این شرکت، در کنار آمازون دیگر غول حوزه آی‌تی، اخیرا قراردادی به ارزش ۱٫۲ میلیارد دلار با ارتش رژیم صهیونیستی بسته که داد فعالان حقوق بشر فلسطینی و همینطور کارمندان خود این شرکت را هم درآورده است. این قرارداد که در زمینه هوش مصنوعی و شناسایی و نظارت گسترده مردم است، به رژیم صهیونیستی کمک می‌کند که سرکوبی مردم فلسطین را تقویت کند و به شهرک‌سازی‌های غیرقانونی خود در مناطق اشغالی ادامه بدهد. بستن این قرارداد، چنان نقض آشکار ارزش‌هایی که گوگل خود را پاسدار آنها می‌خواند، است که بسیاری از کارمندان این شرکت، اخیرا در ۴شهر دورهام، سیاتل، نیویورک و سان فرانسیسکو علیه آن دست به اعتراض خیابانی زدند. این اعتراض، ادامه کمپینی گسترده‌تر با نام «شرکت‌های فناوری نباید به آپارتاید کمک کنند» است که در گوگل و همینطور آمازون راه افتاده و هواداران زیادی پیدا کرده است.

کارمندان گوگل می‌گویند که این پروژه که با نام نیمبوس شناخته می‌شود، می‌تواند برای نظارت بر فلسطینی‌ها و تنبیه و آزار آنها استفاده شود. پیش از این هم نزدیکی بیش از حد گوگل به رژیم صهیونیستی مورد اعتراض کارکنانش قرار گرفته و قربانی هم داشته است؛ آریل کورن یکی از مدیران گوگل که یک یهودی است، به‌خاطر اعتراض‌های مکرر به رفتارهای تبعیض‌آمز گوگل، در نهایت مجبور شد از این شرکت استعفا بدهد. علاوه بر او، دیگر مسلمانان و فلسطینی‌ها و مخالفان رفتار تبعیض‌آمیز هم تحت فشار زیادی هستند تا سخنی علیه رژیم صهیونیستی نگویند. هر کس که چنین رفتاری می‌کند، با برچسب ضدسامی بودن مواجه می‌شود. این در حالی است که گوگل، به‌صورت سیستماتیک در چند جنگ اخیر در غزه، از اسرائیل حمایت کرده و به‌صورت آشکارا ایمیل‌هایی هم در این‌باره زده است.

بعید به‌نظر می‌رسد که گوگل به این اعتراض‌ها توجه کند و قرارداد عظیم با اسرائیل، طبق برنامه جلو خواهد رفت اما بلند شدن صدای اعتراض در داخل گوگل، می‌تواند واقعیت تلخ پشت پرده این غول را آشکار کند.

خوشگلی تبلیغاتی

فاطمه عباسی

چه طرفدارش باشیم و برایمان مهم باشد، چه روشنفکرمآبانه نفی‌اش کنیم و پای هوش و ذکاوت را وسط بکشیم، به قول سیامک انصاری در فیلم بی‌پولی «خوشگلی یه چیز خِرَد سوزیه!» برای همین هم کار و کاسبی خیلی از دکترها و متخصصان زیبایی این روزها سکه است و هر روز فوج فوج آدم برای کمی زیباتر شدن، از بین انواع و اقسام تبلیغات مربوط به عمل‌های زیبایی یکی را انتخاب می‌کنند. در سال‌های اخیر به‌خاطر حجم تقاضا برای اعمال زیبایی، عده‌ای بدون داشتن تخصص و تجربه و برای پر کردن جیب‌شان، وارد این حوزه شده و اقدام به جراحی‌های زیبایی مثل تزریق ژل، بوتاکس، چربی و... در آرایشگاه‌ها یا محل‌های غیراستاندارد می‌کنند. تبلیغات فریبنده‌شان هم روی در و دیوار شهر یا در فضای مجازی و اینستاگرام انجام می‌شود، بدون هیچ نظارتی. آنهایی هم که به‌دنبال زیبایی ارزان قیمت می‌گردند، بدون هیچ تحقیقی درباره مجوزهای لازم و تخصص و تبحر افراد در انجام اقدامات زیبایی، به این دکترنماها اعتماد کرده و چهره‌شان را به‌دست آنها می‌سپارند. نتیجه‌اش هم می‌شود عفونت، خونریزی، بافت‌مردگی و... که تنها بخشی از عوارضی است که ممکن است برای این افراد رخ دهد؛ عوارضی که به سختی قابل جبران بوده و عمدتا هم هیچ وقت به شکل اول بازنمی‌گردند. اوضاع زمانی خراب‌تر می‌شود که برخی پزشکان هم تخصص، اعتبار و تیغ جراحی‌شان را به‌دست افراد غیرپزشک و بدون تخصص می‌سپارند تا سودی از این بازار کسب کنند. به این شکل که تبلیغات وسیعی برای جراحی‌های زیبایی با نام یک پزشک انجام می‌شود، اما در اتاق عمل تیغ جراحی به‌دست فردی غیرپزشک داده می‌شود، موضوعی که متأسفانه در بسیاری موارد تبعات و عوارض جبران‌ناپذیری برای افراد به‌دنبال دارد و در عین حال هم اثبات رخداد چنین جرمی دشوار است.

تقویم / سالمرگ

صدای عرفانی

حسین عرفانی مانند بسیاری از هنرمندان موفق عرصه دوبله، کارش را از تئاتر شروع کرد. ۱۹سال بیشتر نداشت که به علی کسمایی در استودیو مولن روژ معرفی شد. گویندگی فیلم «پروفسور کم‌حافظه» نخستین کار عرفانی به‌عنوان دوبلور بود که زیرنظر احمد رسول‌زاده انجام داد. او در نخستین نقش اول خود به جای اورسن ولز صحبت کرد. سال ۱۳۵۳ زمانی که تلویزیون فیلم‌های همفری بوگارت را خریداری کرد، عرفانی توسط لطیف‌پور و مهرآسا برای گویندگی به جای بوگارت انتخاب شد. صدای خشن و مقتدر حسین عرفانی و لحن سریع گفتار او به‌خوبی القاکننده ویژگی‌های شخصیتی این بازیگر بود. مشابه چنین تیپی را عرفانی در چند فیلم با بازی سرژیو نیکولائسکو اجرا کرد که این نقش (کمیسر مولدوان) نیز بسیار مورد توجه قرار گرفت. گویندگی عرفانی به جای ستارگانی چون بوگارت و مردان میانسالی مانند کلارک گیبل، ویلیام هولدن، مارلون براندو و فرانسیس سولیوان، یادآور دوران درخشان دوبله در ایران است. گویندگی عرفانی به جای ۷ نقش با بازی دیتر هالروردن در فیلم کمیک «دی دی و ارثیه فامیلی» نیز کاری استثنایی در دوبله ایران محسوب می‌شود. در بسیاری از کارهای به‌یاد ماندنی حسین عرفانی به‌عنوان گوینده نقش اول مرد و شهلا ناظریان، همسرش گویندگی نقش اول زن را به‌عهده داشت.

حسین عرفانی بیش از ۵دهه به گویندگی پرداخت. پرکار و پر انرژی بود و متنوع کار می‌کرد و وزنه‌ای در دوبله ایران محسوب می‌شد. عرفانی که یک نقش اول گوی برجسته در تاریخ دوبله ایران بود و انتخابی مناسب برای گویندگی به جای شخصیت‌های سرشناس نقش اول مرد، ۲۱ شهریور ۱۳۹۷ در سن ۷۶ سالگی به‌علت ابتلا به بیماری سرطان درگذشت.

فرهنگ و زندگی

شأن زبان

محمود توسلیان

شب گذشته داشتم از اینستاگرام بازی ۲ تیم داخلی را نگاه می‌کردم. دیدم و شنیدم که گزارشگر بازی افزون بر پافشاری‌اش نسبت به کاربرد واژه‌های انگلیسی، بینندگان را تشویق می‌کرد به کانال یوتیوب باشگاه (یکی از طرفین آن بازی) بروند و پای گزارش یا گزارش‌های آن کانال، یادداشت -به قول گزارشگر محترم کامنت- بگذارند. این گزاره‌ها به نوعی بازتاب‌دهنده موضوع مهمی در ساماندهی وضعیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که به «شأن زبان» می‌گویند. اجازه بدهید ساده‌تر بگوییم. از آنجا که زبان ارتباط مستقیمی با نحوه تفکر و هویت -فردی و اجتماعی- دارد، پس برنامه‌ریزی برای توسعه زبان در هر فرهنگ از مهم‌ترین موضوعاتی است که باید به آن پرداخته شود. در واقع بخشی از توسعه در هر کشوری به چگونگی بسط و گسترش زبان و مقولات زبانی مربوط می‌شود. اگرچه برنامه‌ریزی زبان برای رهیافت‌های تازه زبان طراحی می‌شود، اما اهدافی که در پی این برنامه‌ریزی قابل دسترسی است، بیشتر غیرزبانی‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، در برنامه‌ریزی زبان ۳ مولفه وجود دارد که باید آنها را درنظر گرفت تا قدرت زبان به جایی برسد که دیگر لازم نباشد برای بهبود و پیشرفت دست به دامن زبان بیگانه شد. آن ۳ مولفه عبارتند از: برنامه‌ریزی برای شأن زبان، برنامه‌ریزی برای پیکره زبان و برنامه‌ریزی برای آموزش زبان. اگر چه تفاوت قائل شدن برای‌شان و پیکره زبان تا حدودی مشکل است، اما شکی نیست که ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند. چرا که اگر پیکره متناسب با شرایط اجتماعی و کاربردی در میان مردم شکل بگیرد، به‌طور طبیعی‌شان آن زبان هم مراعات می‌شود.

حتماً دیده‌اید خانواده‌هایی که تلاش می‌کنند فرزندانشان را به محض اجتماعی شدن به سراغ آموزش زبان انگلیسی یا فرانسوی و... می‌فرستند. این یعنی‌شان زبان فارسی به نسبت آن زبان‌ها کمتر است که افراد، پیش از آنکه فرزندانشان، زبان مادری خود را بیاموزند، سراغ زبان بیگانه می‌روند. حال اینکه اگر زبان سرزمین خودمان را شان می‌بخشیدند، شاید جایی بودیم که این رویداد غم‌انگیز وارونه می‌شد. موقعیت‌شان یک زبان عمدتاً به تصمیم‌های سیاسی وابسته است. تحمیل زبان، گسترش زبان، سیاست زبان، و مواردی از این دست، اموری هستند که دولتمردان ما باید در کنار ادیبان و دانشوران، بیشتر به آن بپردازند که مبادا روزی روزگاری ایران مانند هند، زبانی از هم گسیخته و بی‌در و پیکر داشته باشد که در واقع یک شتر گاوپلنگ است.

جهان‌نما

ستون‌های سبز به آسمان می‌رسند

مهتاب خسروشاهی

بعد از سربه‌فلک کشیدن آسمانخراش‌ها و رشد شهرها به شکل عمودی، حالا نوبت کشاورزی عمودی است! حالا باید منتظر گل‌باران و کلم‌باران! از آسمان باشیم که این البته زیباتر از آسمانخراش‌های چند صد متری است. ماجرا از چه قرار است؟ پایگاه تحقیقاتی به‌نام «جونز فود» در شهر بریستول، مزارع عمودی را در سطح کلان راه‌اندازی کرده است. این پایگاه تحقیقاتی، محصولات خود را در انبارهای غول‌پیکر، زیر نور بی‌شمار چراغ‌های LED تولید کرده و مدعی تولید محصولات غذایی، باغی و زراعی متنوع با انرژی‌ها پاک و تجدیدپذیر است. این مرکز دوستدار طبیعت در حال افتتاح بزرگ‌ترین مزرعه عمودی در بریتانیا، گلوسسترشر است.

به‌گفته این مرکز، کشاورزی عمودی باعث صرفه‌جویی در فضا و میزان آب مصرفی تا ۹۵درصد می‌شود. از سوی دیگر میزان کربن تولید شده نیز کاهش می‌یابد. جیمز لوید جویس، مدیرعامل و مؤسس این شرکت می‌گوید: «در تولید محصولات از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی یا بادی استفاده می‌شود. زمین‌های زراعی اگرچه کاملا معمولی هستند، اما استفاده از این انرژی‌ها کمک می‌کند تا خاک زنده مانده و بازیابی شود. نکته دیگر اینکه انرژی‌های تجدیدپذیر طی ۳۶۵روز سال، قابل دسترس بوده و به مزارع جان می‌دهند. به همین دلیل مرکز ما، مرکزی کاملا «دوستدار محیط‌زیست» است.» او ادامه می‌دهد: «تصمیم داریم با گسترش مزارع عمودیِ دوستدار محیط‌زیست، وارد زنجیره اصلی تامین غذایی بریتانیا شویم. از سوی دیگر امیدواریم با این روش از میزان واردات محصولات زراعی-غذایی و باغی بکاهیم.»

وزیر علوم و فناوری، استیو دابل می‌گوید: «استراتژی دولت جدید بریتانیا، بر نقش تغییردهنده گلخانه‌های چندهکتاری و مزارع عمودی در راستای رفع چالش‌های بخش کشاورزی و باغبانی به‌ویژه در سال‌های اخیر، تأکید دارد. بنابراین از کشاورزانی که در این مسیر فعالیت کنند، حمایت می‌کنیم. درهمین راستا، صندوق اختصاصی ۲۷۰میلیون پوندی راه‌اندازی کرده‌ایم تا با کمک آن هزینه‌های لازم برای شیوه‌های جدید کشاورزی پایدار و تولید محصولات غذایی، باغی برای کشاورزانی که فعالیت‌های نوآورانه انجام می‌دهند، تامین شود.» اشاره شد که علاوه بر مزرعه عمودی بریستول که هم‌اکنون در حال فعالیت است، برنامه‌ریزی شده تا مرکز گلوسسترشر در جنگل دین، ماه اکتبر ۲۰۲۲ میلادی (مهر ۱۴۰۱) افتتاح شده و نخستین محصولات آن در ماه دسامبر سال ۲۰۲۳ میلادی برداشت خواهد شد. این مزرعه چند میلیون پوندی در فضایی به‌وسعت ۱۴۸هزار فوت مربع شروع به فعالیت کرده و به بزرگ‌ترین مزرعه عمودی جهان تبدیل خواهد شد. هانا هابهاوس، یکی از محققان مرکز بریستول می‌گوید: «به‌نظر می‌رسد کشاورزی عمودی، نقش بیشتری در آینده تولید موادغذایی و دیگر محصولات زراعی-باغی خواهد داشت. علاوه براینکه راهکار اصلی کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی، جایگزین کردن کشاورزی عمودی در جهان است.»

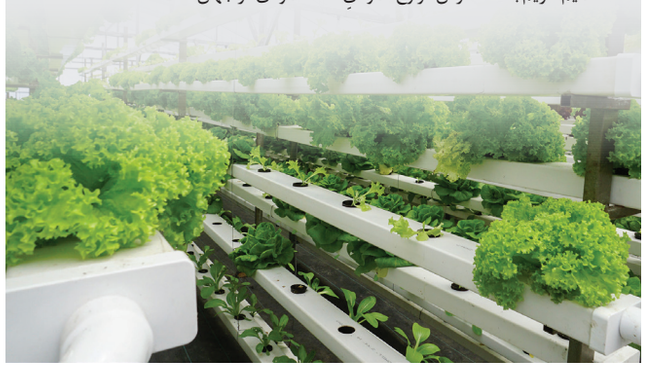

یاحسین

ما داریم می‌آییم

اربعین عراقی اربعین ایرانی

مصطفی شوقی

این روزها در کنار بزرگراه‌ها تابلوهایی با مضامین مذهبی وجود دارد که به نوعی دعوت به شرکت در پیاده‌روی اربعین است. از دهه دوم محرم هم کم‌کم دوربین‌های تلویزیونی به جاده‌های عراق در فاصله‌های دور از کربلای معلی می‌روند و از روند حرکت مردم عراق از جزیره فاو در دورترین نقطه جنوبی سرزمینی تا کربلا با عنوان «من البحر الی النحر» (از دریا تا مکانی که سر حضرت حسین علیه‌السلام بریده شد-اشاره به آب و تشنگی هم دارد) گزارش تهیه می‌کنند. از جاده‌های جنوبی عراق تا استان‌های شرقی و غربی و حتی شمالی کم و بیش موکب‌های کوچک و بزرگ منتهی به کربلا را می‌بینی ... موکب‌هایی که گاه قدمت آنها تا ۵۰سال تاریخ دارد.

عراق سرزمین شعائر و سنت‌های مذهبی است. مناسکی که گاه خاص و متعلق به مردم عراق است. با این حال اربعینی که شکل پیاده‌روی و یا مشابه از آن یاد می‌شود گرچه خاصیتی عراقی دارد اما در یک دهه اخیر با حضور پرشور زائران، بخصوص ایرانی کشورهای لبنان، بحرین، کویت، عربستان، پاکستان، افغانستان، آذربایجان و... برگزار می‌شود. نکته مهم در برگزاری سنت اربعین عراقی پیاده‌روی و استراحت در موکب‌های میان طریق یا راه است. موکب در فرهنگ عربی یا مظیف در واقع جدا از فضای رسمی خانه و گاه بهتر، مهمانسرای طایفه یا محله و یا فرد است که تنها کارکردی خاص در اربعین ندارد و در طول سال در مناسبت‌های جشن و عزا برقرار است. موکب‌ها در زیارت اربعین جایگاه مهمی دارند و از عناصر اصلی سنت‌های عراقی-عربی محسوب می‌شوند.

پس اربعین به شکلی که برگزار می‌شود سنتی عراقی-عربی است و بر همین اساس مهمان‌پذیری و شوق مهمان داشتن در مراسم اربعین و خدمت به آنچه زائران امام حسین علیه‌السلام می‌نامند، عنصری جدانشدنی در مراسم اربعین است.

در تجربه سال‌های حضور در پیاده‌روی اربعین درک کرده‌ام که عراقی‌ها که مردمی با احساسات عمیقی در محبت اهل‌بیت علیه‌السلام هستند، از حضور ایرانیان در اربعین بسیار خوشحال می‌شوند. در سالی که به‌دلیل کرونا مرزها بسته بود در عراق بودم و در مراسم اربعین شرکت کردم. خیلی از آنها سراغ ایرانی‌ها را می‌گرفتند و می‌گفتند که مراسم امسال ما رونق ندارد، چرا نیستید! بیایید. و یادم است که فردی عراقی در منطقه جدول غربی در نزدیکی خان نخیله که شیعیان بسیار خوبی دارد، به شوخی می‌گفت دلم برای نصف و نیمه خوردن غذای عراقی توسط زائران ایرانی تنگ شده... کاش بودید و غذای ما را نیم‌خورده می‌کردید!!

دقیقا همین شوخی تلخ در عراق امروز می‌تواند مرزی باشد میان اربعین عراقی و اربعین ایرانی.

در اربعین عراقی آنها سبک هستند، کوله‌پشتی کوچکی دارند و راه می‌روند و کمی می‌خوابند و مختصر غذایی می‌خورند و خود را معمولا از نجف طی ۲ یا ۳ روز به کربلا می‌رسانند. در کربلا نصف روزی حداکثر مقیم هستند و می‌روند. معمولا چند ده نفره حرکت می‌کنند و یا در گروه‌های ۲ یا ۳نفری. در اربعین ایرانی وسایل به‌شدت زیاد، یک روز یا ۲روز در نجف می‌مانند، بعد از آن به‌دلیل اینکه تجربه پیاده‌روی مداوم را ندارند ۴ یا ۵روز در راه هستند، به همین دلیل بیش از نیم روز را استراحت می‌کنند و حرکتشان کند است. در کربلا ۲ یا ۳روز می‌مانند و بعد خود را به سامرا و یا کاظمین می‌رسانند. در واقع زیارتی که باید حداکثر در ۵روز تمام شود معمولا تا ۱۰روز طول می‌کشد. عراق یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت در دنیاست. براساس منابع رسمی دولتی در ۸ماه ابتدایی سال عراق ۸۲میلیارد دلار نفت صادر کرده است. بسیار بیشتر از ایران در طول ۲سال اخیر. مردم عراق اما به‌دلیل ساختار ناسالم روابط قدرت یکی از کم‌بهره‌ترین کشورهای جهان در بهره‌وری ثروت عمومی در زیرساخت‌های زندگی است. در عراق برق سراسری تقریبا وجود ندارد و مردم از طریق موتورهای دیزلی برق تهیه می‌کنند، آب آشامیدنی تصفیه شده لوله‌کشی سراسری وجود ندارد و زیرساخت‌های بهداشتی و راه‌های مواصلاتی تقریبا نیست و...

فقدان حداقل‌های زندگی در این کشور در کنار حجم وسیعی از زائران برای چند روز می‌تواند روند غیرمعمول هر روز و همیشگی را با بحران جدی مواجه کند. از یک سو شوق خدمت کردن به زائران ایرانی توسط عراقی‌ها یک امر بدیهی و واقعی و برخاسته از قلب آنهاست و از سوی دیگر اما با ته کشیدن منابع و حجم وسیع جمعیت، عملا همه‌چیز قفل می‌شود و راهی هم دیگر باز نیست. شاید بسیاری از مردم ایران به دلایل اقتصادی نمی‌توانند به عتبات عالیات عراق سفر کنند و اربعین فرصت سالی یک زیارت برای همه است. با این حال کارنامه دولت‌های متعدد در ۱۴سال اخیر که نشان می‌دهد حضور ایرانیان سال‌به‌سال بیشتر شده است، درخشان نیست. وزارتخانه‌های مسئول همانند وزارت راه و شهرسازی هنوز نتوانسته حداقل‌های ارتباطی برای رسیدن به مرزها را ایجاد کند و همواره مردم در دو سوی مرز ایران با مشکلات بسیاری مواجه هستند. حال آنکه قطعا وضعیت راه و وسیله ارتباطی در ایران بسیار بهتر از عراق است. اربعین به شکلی که برگزار می‌شود، مراسمی عراقی است. این اصل را اگر بپذیریم حضور ما ایرانیان در موکب‌های عراقی حضور مهمان است. حتی اگر موکب دولتی بزنیم. اصل سرزمینی عراق را باید بپذیریم. گاه شنیده می‌شود که حضور ایرانیان در مراسم اربعین مثلا نشان از قدرت ماست و یا ما آنجا را فتح کردیم و از این حرف‌ها که اصلا سازنده نیست. عراقی‌ها بسیار مهمان‌نواز هستند خیلی بیشتر از هر ملت دیگری که دیده‌ام اما اهانت به‌خود را نمی‌پذیرند. در عین حال بسیار زیاد ایرانیان را دوست دارند. در سال‌هایی که در مراسم اربعین بوده‌ام هیچ‌چیز جز گفت‌وگو روی موضوعات اشتراکی در ارتباط انسانی با برادران عراقی‌ام راهگشا نبوده است و چه اشتراکی بالاتر از عشق و ارادت به مولا یمان حسین جان علیه‌السلام. بهتر این است که زائر اگر آمد به حرم ۲قدم عشق بورزد، ۳قدم فکر کند.